

پیش‌شرط‌ها و استلزامات تحقق دولت مطلوب

از منظر روایات معصومان علیهم‌السلام

غلامرضا بهروزی لک*

حسن علی‌یاری**

چکیده

ماهیت و کیفیت قوانین اسلام به‌گونه‌ای است که عمل به قوانین و دستورات آن، بدون تاسیس یک دستگاه اجرایی و سازمان گسترده سیاسی و اجتماعی قابلیت جامه عمل پوشاندن به آن را ندارد به این خاطر مستلزم تشکیل نوعی حاکمیت و دولت اسلامی می‌باشد. پژوهش حاضر پیش‌شرط‌ها و استلزامات تحقق یک دولت مطلوب از منظر روایات معصومان را مورد بررسی قرار داده و برای گردآوری و تحلیل داده‌ها از نظریه داده بنیاد استفاده شده است. بر این اساس پس از بررسی متون روایی؛ پیش‌شرط‌ها و استلزامات دولت مطلوب در چهار مقوله (۱. شرایط اجتماعی، ۲. شرایط بنیادین، ۳. شرایط زمینه‌ای، ۴. شرایط غایی) استخراج گردید؛ که هر کدام دارای ابعاد و ویژگی‌های خاص خود می‌باشند و در صورتی که به درستی مورد توجه قرار گیرند؛ دولتی متعالی و مطلوب تحت عنوان دولت حق و عدل در عمل قابل تحقق خواهد بود؛ در غیر این صورت همواره زمینه‌های خطر و انحراف از تشکیل دولت حق وجود خواهد داشت.

واژگان کلیدی

روایات معصومان علیهم‌السلام، پیش‌شرط‌ها، استلزامات، داده بنیاد، دولت اسلامی.

blak@chmail.ir

h.aliyari54@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۳

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام و مدرس گروه معارف اسلامی.

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۶

طرح مسئله

انسان طبعاً موجودی اجتماعی و مدنی است و سرشت او با مدنیت آمیخته شده است. به همین جهت نیازمندی و ضرورت نوعی نظم اجتماعی و دولت برای جوامع انسانی از گذشته‌های دور تاکنون مورد توجه بوده است. تا آنجا که جوامع انسانی در طول تاریخ حتی در عصر حجر، که انسان‌ها در غارها و بیشه‌زارها زندگی می‌کرده‌اند به هیچ‌وجه خالی از نظام اجتماعی و چیزی شبیه دولت نبوده است. چراکه «دولت نه نهادی منفعل و بی‌طرف است که بتوان آن را نادیده گرفت و نه حاصل تصادف صرف و ساده است». (رنی، ۱۳۷۴: ۱۷)

با بررسی متون دینی نیز متوجه می‌شویم «دین مبین اسلام برای فعلیت بخشیدن به اهداف عالی خویش در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی عبادی، نیازمند وجود حکومت است». (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۸۱) اگر تشکیل حکومت دینی، برای سرپرستی و اداره شئون مسلمین لازم گردد، مسلماً نظام و تشکیلاتی باید باشد که بر تعیین حاکم، شرایط، صلاحیت‌ها، اختیارات و اوصاف او نظارت داشته باشد و در چگونگی صدور صلاحیت‌ها و رابطه حاکم با مردم ضوابطی باشد و گرنه هرج‌ومرج جای نظم و انضباط را می‌گیرد و این برخلاف منطوق است. (شمس الدین، ۱۳۷۵: ۶۴)

با وجود اهمیت و ضرورت دولت، همواره دیدگاه اندیشمندان در خصوص دولت و ماهیت آن متفاوت بوده است، به‌عنوان نمونه ارسطو طبع انسان را موجودی اجتماعی دانسته و دولت را از مقتضیات طبع بشری می‌داند و معتقد است کسی که قائل به عدم لزوم دولت است، روابط طبیعی را ویران می‌کند و یا خود انسانی وحشی است یا از حقیقت انسانیت خبر ندارد. (ارسطو، ۱۳۶۴)

در مقابل نظریه‌های فوق برخی اندیشمندان از قبیل آنارشیست‌های فلسفی از قبیل پرودون (۱۸۶۵ - ۱۸۰۹) دولت را شر مطلق می‌دانستند و مارکس (۱۸۸۳ - ۱۸۱۸) نیز دولت را سازمان و وسیله‌ای برای سلطه و استثمار یک طبقه بر طبقه دیگر می‌دانست. (عالم، ۱۳۸۴: ۱۳۶ - ۱۳۳) همچنین از ابوبکر اصم، از متکلمان اهل سنت نقل شده که گفته است «اگر مردم در جامعه به انصاف رفتار نمایند و به یکدیگر ظلم روا ندارند، نیازی به حکومت نیست» (منتظری، ۱۳۶۷: ۱ / ۸۴) فساد چنین نظریه‌هایی که دولت را به نحوی برای جامعه انسانی ضروری نمی‌داند روشن و آشکار است و ضرورتی برای پرداختن به آنها نیست.

تاکنون «بجز مطالعه نقادانه برخی جامعه‌شناسان سیاسی و مارکسیست‌ها، پژوهش‌چندانی درباره دولت انجام نشده است». (وینسنت، ۱۳۸۶: ۱۷) در ارتباط با بهره‌گیری از متون روایی با محوریت دولت تاکنون پژوهشی مستقل در این خصوص عرضه نشده است. پژوهش حاضر بر آن است تا پیش‌شرط‌ها و استلزامات تحقق یک دولت مطلوب را از منظر روایات معصومان علیهم‌السلام با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد مورد بررسی قرار دهد. برای استفاده درست و دقیق و همچنین سرعت بخشیدن

به روند مطالعات و کدگذاری‌های مختلف در این پژوهش از نرم افزار مکس کیودا (maxqda) استفاده شده است.^۱

روش تحقیق: ماهیت و مراحل نظریه داده‌بنیاد

تحلیلگر در روش داده‌بنیاد، کار خود را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند. بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و مستقیماً نظریه را از داده‌هایی استخراج می‌کند که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآورده و مورد تحلیل قرار داده است و اجازه می‌دهد تا نظریه از درون داده‌ها نمایان گردد. در این روش‌شناسی «تفسیر بر جستجو منظم استوار است». (استراوس و کربین، ۱۳۹۱: ۳۰)

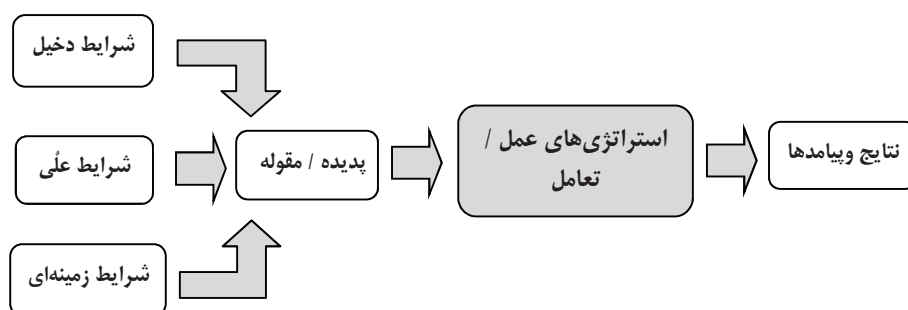
مراحل بکارگیری روش داده‌بنیاد

۱. گردآوری داده‌ها: فرایند جمع‌آوری داده‌ها، فرایندی منعطف است. و هر راهی که بتواند پژوهشگر را به درستی هدایت کند معتبر خواهد بود. این کار تا زمانی انجام می‌گیرد که محقق احساس کند روند جمع‌آوری داده‌ها تکرار اطلاعات قبلی است و چیز جدیدی به دست او نمی‌دهد. در نظریه داده‌بنیاد اصطلاحاً به این نقطه «نقطه اشباع» می‌گویند.

۲. کدگذاری باز: اولین قدم برای تدوین داده‌ها، کدگذاری باز به شمار می‌رود، این نوع کدگذاری فرایندی تحلیلی محسوب می‌شود تا پژوهشگر به وسیله آن یک مفهوم را شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن را کشف کند و آن را در قالب مفاهیم عرضه نماید. در این مرحله، تحلیلگر براساس داده‌های مورد پژوهش، دو نوع از عناصر داده‌بنیاد را با عناوین مفاهیم و مقولات شکل می‌دهد. «روند تحلیلی اصلی که این فعالیت بر اساس آن انجام می‌شود، عبارت است از طرح پرسش درباره داده‌ها، مقایسه وقایع، رویدادها و دیگر پدیده‌ها براساس تشابهات و تفاوت‌های آن». (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۳۳) بررسی دقیق داده‌های مفهومی، برای شناختن تفاوت‌ها و شباهت‌ها باعث می‌شود تا ما امکان تشخیص و تمییز تفاوت‌های موجود را در میان مفهومی‌های انتزاعی‌تر که «مقوله» نامیده می‌شود دریابیم. مقوله‌ها منطقی‌ترین توصیف را از آنچه در جریان است به دست می‌دهد و حالتی انتزاعی‌تر از مفاهیم دارند.

۱. مکس کیودا (MAXQDA) نرم افزاری است با عملکرد عالی برای تجزیه و تحلیل حرفه‌ای داده‌های کیفی و بکارگیری روش‌های تحقیق کیفی از جمله روش گراند تئوری (داده‌بنیاد)، و ... که در حوزه‌های مختلفی چون متن‌ها، تصاویر، فیلم و عکس می‌تواند کاربردهای مناسبی برای کمی نمودن یافته‌های کیفی، بخصوص در بحث تبیین و تحلیل نظری پدیده‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی داشته باشد.

۳. کدگذاری محوری: به فرایندی گفته می‌شود که در آن مقوله‌های اصلی به مقوله‌های فرعی مرتبط می‌شوند. در واقع عمل مرتبط کردن مقوله‌ها با زیر مقوله‌ها در راستای ویژگی‌ها و ابعاد آن است. سومین عنصر داده‌بنیاد، قضیه (گزاره / فرضیه) می‌باشد که در این مرحله تعیین می‌شود و به جملاتی گفته می‌شود که حاکی از رابطه میان مقوله‌ها در کدگذاری محوری یا گزینشی می‌باشد. برای ارائه کدگذاری محوری، از مدلی به نام پارادایم استفاده می‌شود. پارادایم چارچوبی است برای تحلیل داده‌ها و مقولات که برای کمک به پژوهشگر تدوین می‌شود «پارادایم یک موضع تحلیلی است که به گردآوری و نظم دادن به داده‌ها به ما کمک می‌کند به نحوی که آن ساختار و فرایند باهم در پیوستگی بمانند». (ایمانی، ۱۳۹۳: ۱۵۳) در مدل پارادایمی، پدیده مرکزی درباره پدیده شناسایی می‌شود، شرایط علی کشف می‌شود. استراتژی‌ها یعنی کنش‌ها و واکنش‌هایی که از پدیده مرکزی منتج می‌شود و در نهایت شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر شناسایی می‌شود. (همان: ۹۰)



نمونه مدل پارادایمی

۴. کدگذاری گزینشی / انتخابی: کدگذاری گزینشی آخرین مرحله کدگذاری است. این نوع کدگذاری به عمل یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها برای تولید نظریه گفته می‌شود و تحلیلگر به دنبال این است تا داده‌ها را به نظریه تبدیل کند. معمولاً تولید نظریه به مرور زمان خود را نشان خواهد داد و نظریه تا زمانی که روابط بین داده‌ها تشخیص داده نشود ظاهر نمی‌شوند. در این مرحله، «مقوله مرکزی»^۱ شناسایی می‌شود و با سایر مقولات به صورت نظام‌مند مرتبط می‌شود. «محقق در این کدگذاری اقدام به مدل‌سازی و توسعه قضایا می‌کند و مقوله‌ها در ارتباط با یکدیگر، در قالب یک مدل عرضه می‌شوند و نظریه به اشکال مختلف ارائه می‌شود». (همان: ۸۱)

1. Core Category.

تحلیل داده‌ها با کاربرد روش داده‌بنیاد در روایات معصومان علیهم‌السلام

داده‌بنیاد به دلیل انعطاف لازم از قبیل دارا بودن خلوص بالا، (پژوهشگر بدون موضع‌گیری قبلی متون را مورد بررسی قرار می‌دهد.) همچنین واقع‌نمایی و ضریب استناد بالا؛ توانایی کاربرد در حوزه‌های مختلف به خصوص روایات معصومان علیهم‌السلام را دارد.

از آنجا که «در نظریه داده‌بنیاد، تحقیق با یک تئوری و سپس اثبات آن آغاز نمی‌شود، بلکه روند تحقیق، با یک حوزه مطالعاتی شروع گردیده و به تدریج موارد مرتبط پدیدار می‌شود». (اخوان و جعفری، ۱۳۸۵: ۱۴) به همین علت در این پژوهش سعی شده است تا هرگونه موضع‌گیری و داشتن پیش‌فرض قبلی خود را در خصوص روایات کنار گذاشته و از درون روایات به نظریه موردنظر دسترسی پیدا کنیم. از آنجا که «متون اسلامی، چه به‌عنوان اسناد و مدارک و چه به‌عنوان یادداشتهای حاصله از مصاحبه و مشاهده کاتبان وحی و حدیث، در نظر گرفته شود منابع بسیار ارزشمند و ذی‌قیمتی هستند که زمینه مناسبی برای جمع‌آوری اطلاعات محسوب می‌شوند». (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹)

در پژوهش حاضر، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و نظریه‌نمایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ بوده و پیش‌شرطها و استلزامات تحقق دولت مطلوب را بدون سوگیری قبلی در این خصوص مستقیماً از داده‌های روایی استخراج شده؛ که در فرایند پژوهش به‌صورت منظم گردآوری شده و مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته و به متون روایی اجازه داده شده تا نظریه از درون آنها پدیدار شود.

از آنجا که ارائه یک نظریه، مبتنی بر طی نمودن فرایندهای مرتبط می‌باشد، در متون روایی نیز تلاش شده است تا با تقابل میان استقراء و قیاس، مفاهیم به‌صورت دقیق و مناسب با توجه به روش فهم تاریخی متن، به‌درستی فرمول‌بندی شده و به‌صورت یک طرح منطقی نظام‌دار ارائه گردد. برای دستیابی به مفهوم روایات و تسهیل در روند گردآوری داده‌ها و نمونه‌گیری؛ از چند روش اقدام شده است. این روش‌ها عبارتند از:

۱. ایضاح مفهومی، به معنی اینکه ابتدا منظور و ملاک خود را از عنوان موردنظر مشخص نمودیم.
۲. بررسی واژگان سیاسی مترادف با موضوع دولت در روایات که به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم قابل انجام است.

۳. استفاده از سیاق‌های معنایی.

۴. مراجعه به برخی کتاب‌ها و اندیشمندان خاص.

نتایج این‌گونه مباحث برای پژوهش حاضر این است که تبیین و بررسی و بازخوانی درست این‌گونه مفاهیم در روایات و کنار هم قرار دادن آنها می‌تواند به الگوهای جدید در مباحث سیاسی، اجتماعی،

بخصوص بحث دولت منجر گردد. از مقوله‌های اصلی موردنظر، چهار مقوله مربوط به مرحله پیش‌شرط‌ها و استلزامات شکل‌گیری دولت می‌باشد.

معیار و ملاک در اعتبارسنجی روایات

برای اعتبارسنجی و مواجهه با روایات، معمولاً سه رهیافت قابل تصور است.

۱. رهیافت قدما (وثوق صدوری) و متأخرین (وثوق سندی)

۲. رهیافت کارکردی

این رهیافت با سند و ویژگی‌های متنی روایت کاری ندارد؛ و شالوده نظریه بر مجموعه‌ای از روایات متمرکز است، براساس این رهیافت صحیح‌مبنایی است نه صحیح‌رجالی، یعنی داده براساس فطرت و عقل و عرف صورت می‌گیرد. بر این اساس می‌توان بسیاری از روایات را ولو اینکه ضعیف‌السند باشند در کنار سایر روایات موردنظر قرار داد که این امر خود می‌تواند در بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی گره‌گشا باشد.

۳. رهیافت ترائی

براساس این رهیافت، مهم نیست که ما صدوری باشیم و یا وثوقی، بلکه می‌خواهیم از مبنای تراث امامیه بگوییم. این روایات در دل میراث امامیه آمده است و متون موردنظر را به‌عنوان روایت تلقی نموده‌اند.

روش‌های رایج استفاده از روایات در مباحث فقهی و اصولی نمی‌تواند معیار قضاوت در خصوص برداشت‌های ما از روایات در این پژوهش قرار بگیرد لذا ملاک و معیار در اعتبارسنجی روایات معصومین علیهم‌السلام استفاده از هر سه رهیافت فوق می‌باشد. چراکه آنچه مدنظر پژوهش حاضر است اعتبارسنجی روایت، نه تک‌تک آنها بلکه کارکرد مجموعه‌ای از روایات است.

در روش داده‌بنیاد یکی از معیارهای اشباع، تکرار می‌باشد و تکرار تا حد زیادی می‌تواند ضعف سندی روایات را جبران نماید و نیازی به اعتبار رجالی و سلسله اسناد به‌عنوان مباحث تعبدی نخواهند داشت. و مستندات نظریه موردنظر که از روایات برگرفته می‌شود در مجموع فراتر از خبر واحد می‌باشد و اعتماد و اعتبار خوانندگان را در زمینه نظریه دولت نسبت به روایات مضاعف جلوه می‌دهد و این تعدد و تکرار در صورت موجود بودن تشابهات روایی در جوامع روایی، می‌تواند تا حد زیادی اگر احتمالاً روایتی دارای ضعف سندی یا صدوری باشد را جبران نماید.

کشف و ارائه پیش‌شرط‌ها و استلزامات دولت مطلوب

برای کشف و خلق پیش‌شرط‌ها و استلزامات دولت از درون روایات معصومان علیهم‌السلام بعد از گردآوری داده‌ها

و طی مراحل و کدگذاری‌های مختلف سرانجام با روش موردنظر ابداعی این پژوهش، مورد توجه و اقتباس قرار گرفت که در نهایت از میان داده‌های روایی بدست آمده، عناوین مرتبط با دولت استخراج گردید و پس از بررسی‌های لازم روشی و حدیثی، در مرحله کدگذاری باز؛ مفهوم‌یابی شدند و به هر کدام از مفاهیم مربوطه عنوان مناسب داده شد.

پس از عنوان‌بندی روایات، برداشت‌های مفاهیم موردنظر، به‌صورت محورهای مختلف کدگذاری شدند و ۴ مقوله محوری از میان مفاهیم موردنظر مورد توجه قرار گرفت. مقوله‌های محوری کشف شده پس از بررسی مجدد و ارتباط برقرار نمودن بین آنها و یافتن تشابهات متعدد در مرحله بعد تبدیل به یک مقوله هسته با عنوان دولت حق و عدل گردید. به‌طور مختصر مراحل استفاده از روش داده‌بنیاد در بهره‌گیری از روایات مورد اشاره قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۱ نمونه‌ای از مراحل تبدیل کدهای توصیفی از داده‌های روایی به مفاهیم

مفاهیم	اهم روایات مربوط به اهمیت و ضرورت دولت
اهمیت ولایت و حکومت در اسلام	امام باقر <small>علیه‌السلام</small> فرمود: اسلام روی پنج پایه نهاده شده: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و چنان‌که برای ولایت (در روز غدیر خم یا در عالم میثاق) فریاد زده شد، برای هیچ چیزی دیگر فریاد زده نشد. (کلینی: ۱۸ / ۲) ^۱
ولایت و حکومت از پایه‌های دین اسلام	امام باقر <small>علیه‌السلام</small> فرمود: اسلام روی پنج پایه نهاده شده: نماز و زکات و روزه و ولایت. و به چیزی مانند ولایت فریاد زده نشد، مردم آن چهار را گرفتند و این - یعنی ولایت - را رها کردند. (کلینی: ۱۸ / ۲)
ضرورت وجود دولت و دولتمرد	امام علی <small>علیه‌السلام</small> - در قضیه حکمیت - فرمود: اینان (خوارج) می‌گویند فرمانروایی ضرورتی ندارد! حال آنکه وجود فرمانروا لازم است تا در زمان حکومت او مؤمن کار خود کند و کافر بهره خود برد. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۳۳ / ۳۵۸ و ۷۲ / ۳۵۸)
مفهوم	جدول مربوط به اهداف دولت
احقاق حق و از بین بردن باطل	امام علی <small>علیه‌السلام</small> به ابن عباس نوشت: مبدا هدف تو از فرمانروایی، سودجویی و جمع مال، یا خنک کردن خشمی باشد. بلکه باید هدف تو از بین بردن باطل و احیاء حق باشد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲ / ۱۰۱؛ مجلسی: ۴۰ / ۳۲۸)
جلوگیری از هرج و مرج و فتنه	امام علی <small>علیه‌السلام</small> می‌فرمایند: شیر درنده بهتر است از حاکم ظالم و حاکم ظالم بهتر است از فتنه‌ای که به سبب نبودن پادشاه، همیشگی و دائمی باشد. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲ / ۱۰۳؛ مجلسی: ۷۲ / ۳۵۹؛ کنز الفوائد: ۱ / ۱۳۶)

۱. «ولایت» دارای معنای واحدی است و آن اتحاد و ارتباط بین دو چیز است؛ به‌گونه‌ای که فاصله‌ای در میانشان نباشد و یکی عهده‌دار بعضی از امور دیگری شود. این معنا دارای مصادیق متعددی است که یکی از برجسته‌ترین آنها امارت و حکومت می‌باشد. بنابراین، استعمال کلمه ولایت در معنای حکومت، نه‌تنها مجازی نیست، بلکه استعمال لفظ در یکی از بارزترین مصادیق معنای‌اش می‌باشد. (ارسطا، ۱۳۷۸: ۵۷ - ۵۶) بر این اساس «ولایت» در روایات معصومین علیهم‌السلام با تعابیر فراوانی از جمله والی، ولی، مولا، موالی و غیره به‌کارگرفته شده است. و ارتباط مستقیمی با حکومت و دولت دارد.

سامان‌یابی امور	امام رضا <small>علیه السلام</small> فرمودند: امامت جانشینی خدا و جانشینی پیامبر، جایگاه امیرالمؤمنین و میراث حسن و حسین است. در سایه امامت دین رهبری می‌شود، امور مسلمانان سامان می‌یابد. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱ / ۲۰۰)
تعلیم عموم افراد جامعه	امام علی <small>علیه السلام</small> فرمود: اما شما نیز بر من (امام) حقوقی دارید: (از جمله) اینکه شما را تعلیم دهم تا نادان ننماید و آداب‌تان بیاموزم تا بدانید. (نهج البلاغه (لصباحی صالح): ۷۹)
عدالت و عمل به کتاب و سنت	امام علی <small>علیه السلام</small> می‌فرمایند: به خدا قسم من به سلطنت و حکومت و دوستی دنیا تمایلی ندارم مگر برای اظهار عدل و عمل به کتاب و سنت. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۹ / ۵۱؛ مجلسی: ۳۱)
اصلاح و امنیت سیاسی اجتماعی	امام علی <small>علیه السلام</small> فرمود: (مقصود ما از قبول حکومت، بازگرداندن نشانه‌های دین) و اصلاح آشکار در شهرها و امنیت بندگان ستم‌دیده است. (حرانی، ۱۴۰۴: النص / ۲۳۹)
حفاظت از مرزها	امام رضا <small>علیه السلام</small> فرمودند: امامت جانشینی خدا و جانشینی پیامبر، جایگاه امیرالمؤمنین و میراث حسن و حسین است. در سایه امامت ... و از مرزها و مناطقی که در ناحیه‌های دور دست قرار دارد، محافظت می‌شود. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱ / ۲۰۰)
مفهوم	اهم روایات پیرامون مشروعیت الهی
حاکمیت و پادشاهی فقط از آن خداست.	پیامبر خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> : خشم خدا سخت است بر کسی که خود را شاهنشاه خواند، درحالی که شاهی جز خدا نیست. (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۱۱)
معنی یافتن ولایت امام در پرتو حاکمیت الهی	امام صادق <small>علیه السلام</small> : ولایت (و حق حاکمیت) ما همان ولایت (و حق حاکمیت) خدا است، که هیچ پیامبری را جز به آن (و با ایمان به آن) نفرستاده است. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱ / ۴۳۷)
کافر بودن مدعیان امامت	امام صادق <small>علیه السلام</small> فرمود: هر که ادعای امامت کند و اهلش نباشد، کافر است. (کلینی، ۱۴۲۹: ۲ / ۱۹۹)
حق حاکمیت امام ناشی از خدا و پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	پیامبر گرامی اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small> : در غدیر خم فرمودند: آیا من نسبت به شما اولویت ندارم؟ مردم جواب دادند بله این چنین است، حضرت فرمود هر که را من مولای اویم علی مولای اوست. (مسعودی، ۱۳۸۴: ۸۷)
حاکمیت دولتمردان در طول حاکمیت خدا و امام <small>علیه السلام</small>	امام علی <small>علیه السلام</small> فرمود در نامه‌ای به مالک: همانا تو از آنان برتر، و امام تو از تو برتر، و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد والاتر است، که انجام امور مردم مصر را به تو واگذارد. (نهج البلاغه: نامه ۵۳؛ حکیمی، ۱۳۹۵: ۱ / ۶۵۱)
علما فرمانروای بر پادشاهان	امام صادق <small>علیه السلام</small> : پادشاهان فرمانروایان بر مردمانند، و علما فرمانروایان بر پادشاهان. (طوسی، ۱۴۱۴ ق: النص / ۵۶ و ۷۵۷ و ۸۳۴)
مفاهیم	برخی روایات مقبولیت مردمی
حمایت مردم، عامل تشکیل دولت	امام علی <small>علیه السلام</small> فرمودند: ... به خدا سوگند! من به خلافت رغبتی نداشته و به ولایت بر شما علاقه‌ای نشان نمی‌دادم و این شما بودید که مرا به آن دعوت کردید و آن را بر من تحمیل کردید. «(نهج البلاغه (لصباحی صالح): ۷۴۵ و ۷۸۴؛ حسینی مدنی، ۱۳۸۱: ۷۱)
درخواست مردم عامل قبول حکومت	امام علی <small>علیه السلام</small> فرمود: به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید سوگند که اگر دعوت و حضور این انبوه بیعت‌کنندگان نبود، و ... بی‌گمان همچنان رشته کار را وامی‌نهادم و پایش را بسان آغازش می‌انگاشتم. (نهج البلاغه (لصباحی صالح): ۵۰ / ۱۲۳)
درخواست مردم عامل قبول حکومت	امام علی <small>علیه السلام</small> فرمود: ازدحام انبوهی همچون بال کفتار که از هر سو مرا احاطه کرده بودند، مرا به قبول خلافت واداشت؛ جمعیتی که از کثرت و شتاب‌زدگی برای بیعت، انگشت دو ابهامم (حسن و حسین) را لگدمال کردند و آن چنان ازدحام به پهلوهایم فشار آورد که سخت مرا به رنج انداخت. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: النص / ۳۶۱؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۵۱ و ۱۲۲)

۱. درباره واژه «الحسنان» در کلام امام علیه السلام برداشت‌ها و ترجمه‌های مختلفی ارائه شده است. عموم اندیشمندان این واژه را به جهت قاعده تغلیب به معنای امام حسن و امام حسین علیه السلام معنا کرده‌اند. عده قلیلی نیز باتوجه به معنای فعل مجهول و نیز وضع مجلس امام علیه السلام آن را به معنای دو انگشت شست پا گرفته‌اند. به هر ترتیب هر طوری که این واژه مورد نظر قرار گیرد در نتیجه بحث ما تأثیری نخواهد داشت.

جدول شماره ۲ مراحل تبدیل مفاهیم به مقولات و تشکیل پارادایم:

مقوله هسته	طبقات و شرایط الگوی پارادایمی	مقوله‌های محوری	مفاهیم
دولت مطلوب (حق / عدل / مشروع)	اهمیت و ضرورت دولت (شرایط اجتماعی)	اهمیت ولایت و دولت	حفظ دین خدا مهم‌تر از تشکیل ظاهری حکومت / نقش حاکمیت حق در تحقق بخشیدن به دین خدا و اجرای احکام / تأکید بر ولایت و حکومت / اهمیت همراهی با امام و زمامدار الهی / معرفت به ولایت امام مساوی با ایمان / ولایت و حکومت از پایه‌های اجاق اسلام / اهمیت و برتری ولایت و حکومت بر سایر احکام دینی / ولایت و حکومت از پایه‌های دین اسلام
		ضروری بودن وجود دولت	خالی نبودن زمین از حاکمیت الهی / حاکمیت جور از بی‌حاکمیتی بهتر است / ضرورت وجود دولتمرد عادل در امور دنیا و آخرت / ضرورت وجود حاکمیت حق / ضرورت و لزوم حکومت
		ضرورت تشکیل دولت واقعی متعالی فقط به دست صاحب‌الامر	ضرورت اقرار و اعتقاد به دولت امام / ضرورت تشکیل دولت به‌دست امام <small>علیه السلام</small> / ضرورت دولت عدالت‌محور امام <small>علیه السلام</small> / برکات فراوان همراهی با ولایت و دولت
	شرایط بنیادین (مشروعیت الهی دولت)	خداوند متعال خاستگاه و منشأ دولت و حاکمیت	انتخاب حاکمیت به‌دست خداوند متعال / حاکمیت و پادشاهی فقط از آن خداست / معنی یافتن ولایت امام در پرتو حاکمیت الهی / عاقبت بد مدعیان ناحق امامت / کافر بودن مدعیان دروغین امامت / الهی بودن مقام نبوت / امامت امام از جانب خدا
		حاکمیت پیامبر و امام در طول حاکمیت خدا	معنی یافتن ولایت امام در پرتو حاکمیت الهی / عاقبت بد مدعیان ناحق امامت / کافر بودن مدعیان دروغین امامت / الهی بودن مقام نبوت / امامت امام از جانب خدا / حق ولایت امام ناشی از پیامبر و خداست / حکومت امام همان حکومت خداست / حق حاکمیت امام ناشی از خدا و پیامبر <small>علیه السلام</small> / حاکمیت امام در طول حاکمیت پیامبر <small>علیه السلام</small> / امام <small>علیه السلام</small> حجت خدا بر مردم / حاکمیت مخصوص امام <small>علیه السلام</small>
			ضرورت رجوع مردم به علما / علما وارثان انبیاء / حاکمیت دولتمردان در طول حاکمیت خدا و امام <small>علیه السلام</small> / حکومت از آن پیامبر و جانشینان عادل اوست / علما دولتمردان و حاکمان بر مردم / مجاری امور به دست علما است / علما فرمانروای بر پادشاهان / ضرورت ارجاع محاکمات به دانشمندان دینی / علما جانشینان پیامبر و فرمانروایان الهی بر مردم و حجت امام بر مردم

مقوله هسته	طبقات و شرایط الگوی پارادایمی	مقوله‌های محوری	مفاهیم
مقوله هسته		تبعیت از حاکمیت الهی چیستی و چرایی	دلایل عدم صلاحیت مردم در انتخاب زمامدار الهی / بی‌معنا بودن حاکمیت انسان و ضرورت اعتقاد به دولتمردان الهی / هدایت‌کنندگی در پرتو امر خدا نه امر مردم / ایمان نشانه اقرار به ولایت الهی / گمراهی و سرگردانی انسان بدون داشتن حاکمیت الهی / عدم قبولی عبادات / گمراهی و سرگردانی انسان
		مقبولیت مردمی	حمایت مردم عامل تشکیل دولت / درخواست مردم عامل قبول حکومت / سکوت به علت تنهایی / صبر بر حکومت / قیام به حکومت در صورت داشتن یاری‌کننده
	مقبولیت مردمی	اهداف سیاسی و اجتماعی	یاری ستم‌دیدگان / احقاق حق و از بین بردن باطل / جلوگیری از فساد اجتماع / صلاح امور مردم / جلوگیری از هرج و مرج و فتنه / جلوگیری از فساد و هرج و مرج / اقامه کردن اطاعت الهی / اصلاح امور جامعه / سامان‌یابی امور / زنده کردن حق
	اهداف تشکیل دولت و حاکمیت	اهداف دینی - اخلاقی	برپایی قوانین الهی / ساماندهی امور دینی و دنیایی / تکریم نمودن اخلاق هدف دولت / دین‌داری و اصلاح امور مردم / اجرای امر خدا / اصلاح و ترویج دین خدا / تربیت و هدایت جامعه به سوی اسلام و ایمان / تربیت و هدایت جامعه به سوی اسلام و ایمان / تعلیم و تعلم افراد جامعه / تربیت عموم مردم / گسترش رفتار قرآنی، ایمانی و عدالت در میان جامعه / عدالت و عمل به کتاب و سنت / عزت‌مندی مؤمنین / برپایی اخلاق
		اهداف اقتصادی	گسترش و اجرای عدالت / اجرای عدالت / جمع‌آوری خراج، نبرد با دشمنان و اصلاح امور و آبادی شهر / جمع‌آوری مالیات / جمع‌آوری دارایی‌های عمومی / احقاق حقوق ضعیفان
		اهداف امنیتی و نظامی	امنیت / اصلاح و امنیت سیاسی - اجتماعی / جلوگیری از جنگ و درگیری داخلی / حفاظت از مرزها

باتوجه به مباحث فوق، استلزامات و پیش‌شرط‌های دولت مطلوب را از منظر روایات می‌توان در موارد زیر مورد تبیین و بررسی قرار داد.

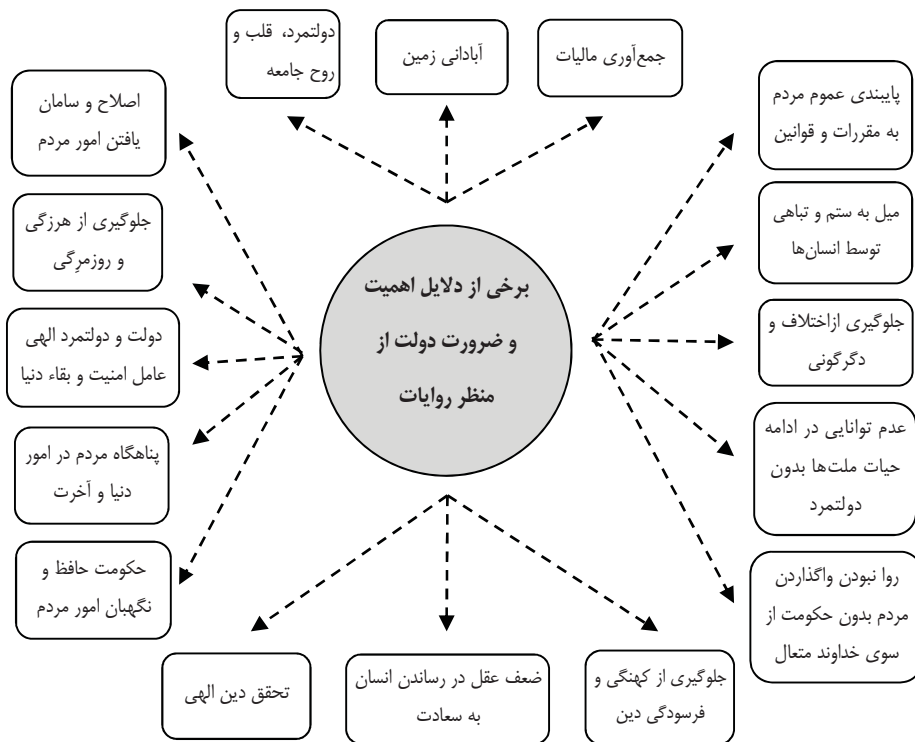
یک. شرایط اجتماعی (اهمیت و ضرورت دولت)

اهمیت و ضرورت وجود دولت یکی از مؤلفه‌های اساسی پژوهش‌ها و مطالعاتی است که پیرامون دولت صورت می‌گیرد که در بررسی روایات معصومان علیهم‌السلام به این مباحث توجه ویژه‌ای شده است. مقوله

«اهمیت و ضرورت دولت» اولین قدم در راه شکل‌گیری دولت حق می‌باشد؛ از کدهای شناسایی شده، ۳۴ کد باز مربوط به این مقوله می‌باشد که دارای ابعاد و ویژگی‌های ذیل می‌باشد. به صورت مختصر به هر کدام از این مقولات ویژگی‌ها و ابعاد اشاره می‌گردد.

۱. اهمیت و ضرورت وجود دولت و دولتمرد حق در همه زمان‌ها

براساس روایات معصومان علیهم السلام وجود دولت و دولتمردان حق، در همه زمان‌ها برای زندگی سیاسی و اجتماعی انسان‌ها از اهمیت خاصی برخوردار بوده و یک ضرورت اساسی به شمار می‌رود و اراده خداوند بر این تعلق گرفته است که دولت و دولتمردان الهی، از سوی خداوند متعال برای امور دنیوی و اخروی مردم به پا خیزند و مسئولیت کلیه امور مردم را بر عهده گیرند و حتی اگر این امر نیز بر عهده مردم واگذار شده باشد بایستی قبل از هر کاری اقدام به گزینش دولتمرد نمایند. بنابراین، جامعه برای اداره درست نیازمند حاکمی الهی است که مطابق موازین شرعی حکومت کند و شرایط لازم را کسب کرده باشد و بتواند دین خدا را در جامعه محقق سازد. برخی روایات درصدد تبیین دلایل اهمیت و ضرورت این مسئله هستند. از جمله دلایلی که در روایات مطرح می‌شوند عبارتند از:



۲. نیازمندی جامعه به دولت در صورت عدم تحقق دولت حق

چنانکه اشاره شد، اصل بر این است که حاکمیت و تشکیل دولت بر مبنای حکم خدا و کارگزاران الهی صورت گیرد. با وجود این در میان روایات کدگذاری شده، برخی روایات وجود دارند که هیچ‌گاه جامعه انسانی را بی‌نیاز از دولت و حکومت نمی‌دانند ولو اینکه به قیمت عدم تشکیل دولت الهی و تشکیل حاکمیت غیر خدا باشد. بنابراین روایات معصومان علیهم‌السلام هیچ‌گاه جوامع انسانی را بی‌نیاز از دولت نمی‌دانند. و حاکمیت جور از بی‌حاکمیتی بهتر دانسته شده است. (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۲ / ۱۰۳ و کراچی، ۱۴۱۰ق: ۷۲ / ۳۵۹)

از منظر روایات معصومان علیهم‌السلام، حاکمیت و دولت از لوازم اساسی، اولیه و اجتناب‌ناپذیر اجتماعات بشری محسوب می‌گردد، به طوری که در غیاب آن، حیات انسانی و نظامات اجتماعی دوام و قوام نمی‌یابد و هرج‌ومرج سرتاسر جامعه را دربر می‌گیرد و جامعه انسانی در نهایت به سوی انحطاط و زوال حرکت خواهد کرد.

با عنایت به کدگذاری داده‌های روایی و استفاده از روش داده‌بنیاد، ویژگی‌ها و شرایط اجتماعی زندگی انسان به صورتی است که هیچ‌گاه نمی‌تواند خالی از نوعی دولت باشد، زیرا زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها بدون وجود دولت و دولتمردان معطل مانده و به خطر می‌افتد.

باتوجه به این اصل برای آنکه دولتی مشروع و الهی در جامعه شکل بگیرد مستلزم سه شرط اساسی خواهد بود در غیر این صورت دولت موردنظر به انحراف کشیده خواهد شد و معیار دولت حق نخواهد بود. این سه شرط عبارتند از:

۱. شرایط بنیادی: یعنی دولت موردنظر بایستی دارای مشروعیت الهی باشد.
۲. شرایط زمینه‌ای: یعنی اینکه دولت مطلوب موردنظر معصومان علیهم‌السلام زمانی می‌تواند به منصفه ظهور برسد که مقبولیت مردمی داشته و از سوی مردم مورد پذیرش قرار گیرد.
۳. شرایط غایی: یعنی اینکه دولت مطلوب بایستی با اهداف متعالی دنیوی و اخروی شکل بگیرد. در ادامه هر کدام از شرایط فوق به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

دو. شرایط بنیادین (مشروعیت الهی)

مشروعیت یکی از مهم‌ترین مباحثی است که در روایات معصومان علیهم‌السلام در ارتباط با دولت مطرح شده است. این مقوله مربوط به بحث فلسفه سیاسی است، اما علی‌رغم اینکه از ریشه شرع گرفته شده است نمی‌توان آن را یک اصطلاح دینی صرف دانست بلکه هر زمان با پسوند الهی لحاظ شود به معنی این خواهد بود که دولت و حکومتی که شکل گرفته به نوعی از سوی خداوند متعال مورد تأیید قرار گرفته است.

«مشروعیت در واقع توجیه و پاسخ دو سوال مرتبط باهم است: یکی اینکه چه کسی و چرا حق امر و

نهی و حکم کردن دارد؟ و دیگر اینکه مردم موظف به اطاعت از چه حاکم و حکومتی هستند؟» (حاجی صادقی، ۱۳۸۳: ۱۴۹) از منظر سیاسی؛ مشروعیت پشتوانه و توجیه کننده قدرت حکومت است. در پژوهش حاضر، مقوله «مشروعیت الهی» شامل ۵۸ کد باز می‌باشد؛ که در درون خود دارای برخی مقوله‌های فرعی است که ویژگی‌ها و ابعاد آن را از طریق این مقوله‌های فرعی می‌توان مورد شناسایی و دقت نظر قرار داد.

۱. انحصاری بودن حاکمیت خداوند متعال

بر اساس آنچه از روایات می‌توان برداشت نمود، پایه‌ها و مباحث بنیادین دولت اسلامی را نمی‌توان برآمده از تاریخ مسلمان‌ها یا جامعه اسلامی توصیف کرد. بلکه دولت اسلامی به شکلی ارگانیک و طبیعی بر مرجعیت و منشاء بودن مرکزیت حاکمیت خداوند سامان می‌یابد و درحقیقت، چهره واقعی دولت ناشی از حاکمیت و اراده خداوند متعال است. از منظر روایات معصومان علیهم السلام هیچ حکومتی جز به نصب الهی مشروعیت پیدا نمی‌کند و به تبع آن نیز هیچ انسانی حق حکومت بر کس دیگری را ندارد؛ مگر اینکه حاکمیت آن منتهی به حاکمیت و ولایت خداوند متعال گردد.

انحصاری بودن حاکمیت و قانونگذاری خداوند متعال یکی از لوازم جهان‌بینی الهی دولت به شمار می‌رود. این مسئله در روایات معصومان علیهم السلام به‌طور کامل و دقیق مورد تبیین قرار گرفته است. و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم؛ حق حاکمیت و پادشاهی را فقط از آن خداوند متعال دانسته و کسی بجز او را شایسته این مقام نمی‌دانند

۲. حاکمیت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام در طول حاکمیت خداوند متعال

از منظر روایات معصومان علیهم السلام ولایت و حق حاکمیت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام ناشی از خداوند متعال دانسته شده است. و مسئولیت و حق ولایت و حکومت بر جامعه و مردم در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس امامان علیهم السلام قرار داده شده است. «این حاکمیت انحصاری و مطلق الهی در روی زمین به شکل حکومت به‌معنای وسیع کلمه شامل رهبری و ارگان‌ها و نهادهایی که عملاً سررشته فرماندهی را در یک کشور به‌دست دارند، تبلور و عینیت می‌یابد.» (قاضی، ۱۳۷۹: ۱۰۷ - ۱۰۶)

پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومان علیهم السلام ضمن اینکه خود را فرستاده خدا معرفی می‌نمودند و از این طریق به تبلیغ دین خداوند می‌پرداختند، نسبت به جامعه پیرامونی خود نیز توجه کافی داشته و به ارشاد و هدایت مردم، اقدام می‌کردند. براین اساس خداوند متعال حکومت را به انسان‌ها؛ می‌سپارد تا وسیله و ابزاری باشد برای تکامل و تعالی و آزمایش آنها. دولت در روایات معصومان علیهم السلام جلوه‌ای از حاکمیت خداوند متعال در روی زمین است. لذا حکومتی که منتسب به خداوند متعال است؛ ظلم و جور را بر نمی‌تابد. و هر نوع

حکومتی که منتسب به خداوند نباشد در واقع نوعی انحراف از حاکمیت مطلوب تلقی می‌گردد. در دولت مورد نظر معصومان علیهم‌السلام هدایت جامعه از سوی خداوند و از بالا مورد توجه قرار گرفته است و سپردن ولایت به متولیان و آحاد مردم بی معنا و عبث خواهد بود؛ زیرا ولایت و خلافت تکثر بردار نیست و حتماً می‌بایست در یک اراده طولی به منصف ظهور برسد. لذا حاکمیت و ولایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بعد از آن امام علیه‌السلام، معیار تشخیص حاکمیت حق از غیر حق می‌باشد. و دولت در واقع نوعی «جریان ولایت و سرپرستی» است.

۳. حاکمیت فقهاء جامع‌الشرایط در طول حاکمیت معصومان علیهم‌السلام

در ادامه، این حاکمیت در زمان غیبت امام علیه‌السلام به فقهاء جامع‌الشرایط سپرده شده است و حاکمیت فقهاء در طول حاکمیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علیه‌السلام معنی پیدا می‌کند. دولت معصومان علیهم‌السلام و جانشینان آنها که فقهاء جامع‌الشرایط می‌باشند نمی‌تواند صرفاً به معنای مجری احکام یا نظامات باشد؛ بلکه دولت آنها در واقع همان «ولایت الله» است که با تحقق آن، جامعه تکامل پیدا می‌کند و می‌تواند به ساختارهای اجتماعی و قوانین متناسب تبدیل شود و در قالب احکام و خطابات شرعی ظهور و بروز نماید؛ از میان ۵۰ کد باز مربوط به مشروعیت الهی دولت، ۱۸ کد حاکمیت علما و نخبگان دینی را مورد تبیین قرار می‌دهند و حاکمیت آنها را زمانی مشروع می‌دانند که در طول حاکمیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علیه‌السلام شکل گرفته باشد.

در احادیث متعددی حاکمیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام به علما و جانشینان آنها واگذار شده است. روایات ضمن تأکید بر پرهیز از مراجعه به حاکمان جور، ضرورت مراجعه به عالمان دینی را مورد اشاره قرار می‌دهند و آنها را حاکم و فرمانروای مردم از جانب خدا دانسته و علما را میراث‌داران پیامبران می‌دانند. اما در اینکه میزان و مقدار این حاکمیت تا کجاست، نیازمند تحقیق و پژوهش دیگری است که در این مقال نمی‌گنجد.

سه. شرایط زمینه‌ای (مقبولیت مردمی)

چنان‌که اشاره شد؛ برای تشکیل دولت حق / عدل نیازمند وجود برخی شرایط ساختاری هستیم، یکی از مهم‌ترین آنها که در روایات مورد توجه قرار گرفته است؛ توان مقبولیت مردمی حاکمان و دولتمردان می‌باشد. این شرط اگر به درستی مورد توجه قرار گیرد و مردم نسبت به این امر راه درست را بیمایند، در کنار دو شرط دیگر یعنی شرایط بنیادی و غایی، زمینه‌ساز تشکیل دولت حق / عدل خواهند شد. اما اگر این شرط به درستی تأمین نگردد و یا اینکه به انحراف کشیده شود، نمی‌توان انتظار داشت که دولت حق / عدل تشکیل گردد و باید منتظر شکل‌گیری از دولت‌های جور / باطل بود.

پذیرش و اعتماد به حاکمیت از سوی مردم، مهم‌ترین شرط زمینه‌ای تحقق حاکمیت الهی در جامعه می‌باشد، که از آن می‌توان به بیعت و یا مقبولیت مردمی یاد کرد. پذیرش مردمی پیش‌شرط لازم برای تحقق حاکمیت الهی در جامعه است. پذیرش مردمی تأثیری در مشروعیت حاکمیت الهی ندارد و دولتمردان همواره در همه سطوح مشروعیت خود را به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم از خداوند متعال می‌گیرند. منتهی دولتمردان و حاکمان الهی اگر بخواهند تشکیل حکومت بدهند؛ نیازمند اقبال عمومی بوده و تا زمانی که پذیرش و حمایت مردم وجود نداشته باشد؛ حکومت الهی برپا نخواهد شد.

از منظر روایات معصومان علیهم‌السلام دولت بدون مردم و خواست آنها در سطح جامعه محقق نمی‌گردد و بدون مشارکت و حضور آنها نمی‌توان آن را اداره نمود. نقش مردم به عنوان یکی از شرایط وجودی مطرح می‌باشد و در تداوم و شکل‌گیری دولت از اهمیت خاصی برخوردار هستند به عبارت دیگر نقش مردم هم ایجاد است و هم ابقایی، بنابراین دولت حق و عدل جز با پایداری و حضور مردم تشکیل نمی‌گردد و سامان نمی‌یابد.

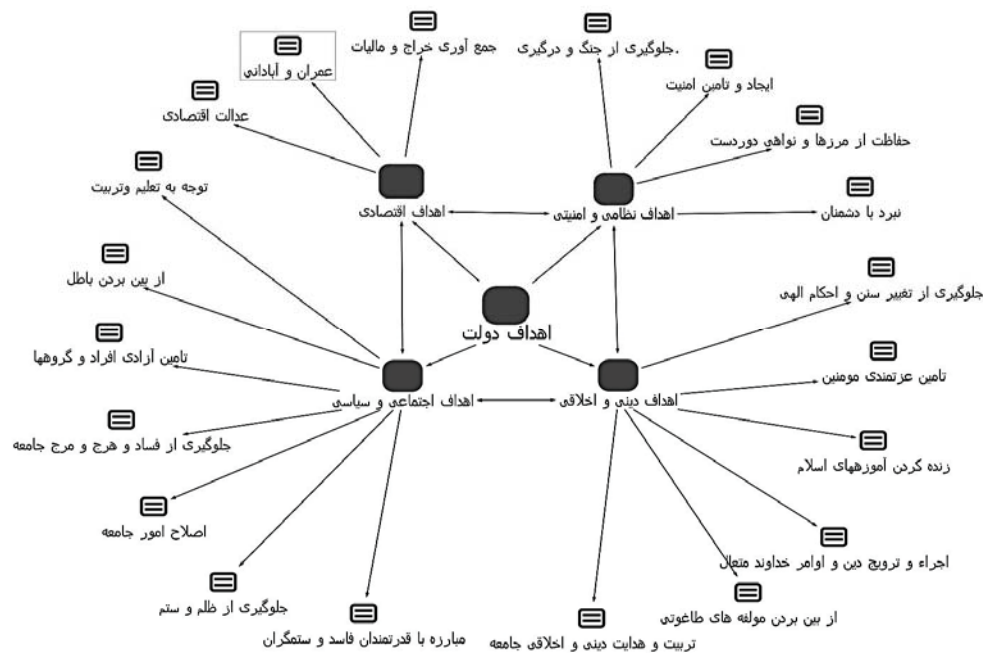
به گواهی تاریخ و روایات متواتر از معصومان علیهم‌السلام، پیامبرگرمی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ولایت و زمامداری بعد از خود را حق امام علی علیه‌السلام می‌دانست، با این حال به جهت تعلق حکومت به مردم، به امام علی علیه‌السلام توصیه می‌کنند که صرفاً در صورتی که مردم اقبال به حکومت نمایند و راضی به رهبری آن باشند آن را بپذیرد. و به خاطر رسیدن به حکومت به هیچ عنوان از قوه زور و اجبار استفاده نکند. به عنوان نمونه در خطبه‌های شماره ۸ و ۳۴ و ۳۷ و ۷۳ و ۱۳۶ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۲۱۸ و نامه‌های ۱ و ۸ و ۷۵ نهج البلاغه نیز می‌توان موارد مشابهی را یافت که با عناوین مختلف به این مسئله اشاره نموده‌اند.

چهار. شرایط غایی (اهداف)

اهداف از مباحث زیربنایی یک سازمان به شمار می‌رود؛ چراکه معمولاً ساختار و کارکرد یک سازمان تابعی از اهداف آن به شمار می‌رود. به همین جهت هر نهاد یا سازمانی که ایده‌های برتری را دارد، به تبع نیز هدف‌های عالی‌تر و بهتری را دنبال می‌کند و برای آن نیز تلاش بهتری را بکار می‌گیرد. بنابراین اهداف یک دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در عظمت، اصالت و حقیقت یک دولت دارد. «از آنجاکه حکومت مهم‌ترین نهاد متولی امور اجتماعی است، لذا هدف‌های حکومت اسلامی همان هدف‌هایی است که به‌طور کلی دین اسلام و انبیای الهی در بعد اجتماعی‌اش تعقیب می‌کنند». (یوسفی، ۱۳۸۹: ۳۸ - ۳۷) در واقع دولت از نظر اسلام، ابزاری است برای تحقق بخشیدن به اهداف مادی و معنوی و حاکمیت ارزش‌های الهی و انسانی در سطح جامعه در جهت رشد و تعالی آنها.

از آنجاکه وظایف دولتمردان و کارکردهای دولت معمولاً تابعی از اهداف دولت به شمار می‌رود. دین مبین

اسلام نیز به‌عنوان یک مکتب الهی، اهداف بلند و متعالی را برای انسان‌ها در زمینه‌های مختلف به‌ویژه مسائل اجتماعی و سیاسی ترسیم می‌کند که دولتمردان حق وظیفه دارند تا به آنها جامه عمل بپوشانند. به‌عبارت‌دیگر «وظایف یا کارکردها، مرحله نازل همان هدف‌ها محسوب می‌شود. ساختارها به تناسب رسالتی که بر دوش دارند، طراحی و پی‌ریزی می‌شوند تا وظایف معینی را به انجام رسانند وظایف و کارکردها در شکل‌دهی به جزئیات یک ساختار نقش بسزایی دارند». (همان) با بررسی روایات معصومان علیهم‌السلام ۴۷ کد مربوط به غایات و اهداف دولت برداشت گردید؛ که در ابعاد و سطوح مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، نظامی و دینی قابل بررسی و شناسایی است. به‌طور خلاصه این اهداف را می‌توان در ابعاد مختلف به شرح زیر گونه‌شناسی کرد که به‌دلیل پرهیز از اطاله کلام به‌صورت شکل زیر قابل بررسی می‌باشد.



نتیجه

چنان‌که ارائه نظریه‌ای بر محور متون دینی برای تبیین ابعاد گوناگون دولت اسلامی ضرورت اساسی دارد و از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. یکی از راه‌های اساسی برای تبیین درست آن مراجعه به نصوص دینی، به‌خصوص روایات معصومان علیهم‌السلام می‌باشد چراکه این نصوص همواره روشنی‌بخش جامعه سیاسی - اجتماعی ما بوده و خواهند بود و با بهره‌گیری درست و دقیق از آنها می‌توان چارچوبی جامع و کامل از دولت ارائه نمود. با توجه به عدم الگودهی نظریه‌های موجود دولت و جامعیت دین مبین اسلام، سؤال اصلی این

پژوهش این بود که پیش‌شرطها و استلزامات تحقق دولت مطلوب از منظر روایات معصومان علیهم‌السلام چیست؟ علی‌رغم اینکه به دلایل مختلف نظرنهایی معصومان علیهم‌السلام پیرامون یک موضوع علمی؛ بخصوص اجتماعی، سیاسی و ... به صورت منظم و یکجا در یک گفتار و یا یک روایت ارائه نشده است. در ابتدا ممکن است این روایات و نحوه برخورد آنها با مباحث سیاسی و اجتماعی، در ذهن هر پژوهشگر دیگری چنین خطور نماید که این گفتارها نمی‌توانند به درستی مرتبط باهم شده و دارای نظم و طبقه‌بندی درستی باشند، چراکه معصومان علیهم‌السلام در زمان‌های مختلف ممکن است موضع‌گیری‌های مختلفی نسبت به یک مسئله نشان داده باشند. اما با کمی دقت در این متون، علی‌رغم موضع‌گیری‌های مختلف و پراکنده‌گی این روایات و صدور آن از طرف معصومان علیهم‌السلام در شرایط زمانی و مکانی مختلف، متوجه می‌شویم که این روایات دارای نظم خاصی بوده و اگر به شیوه و روش درست توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گیرند، می‌توان نظریات دقیق و منحصر به فردی را از آنها کشف و استخراج نمود.

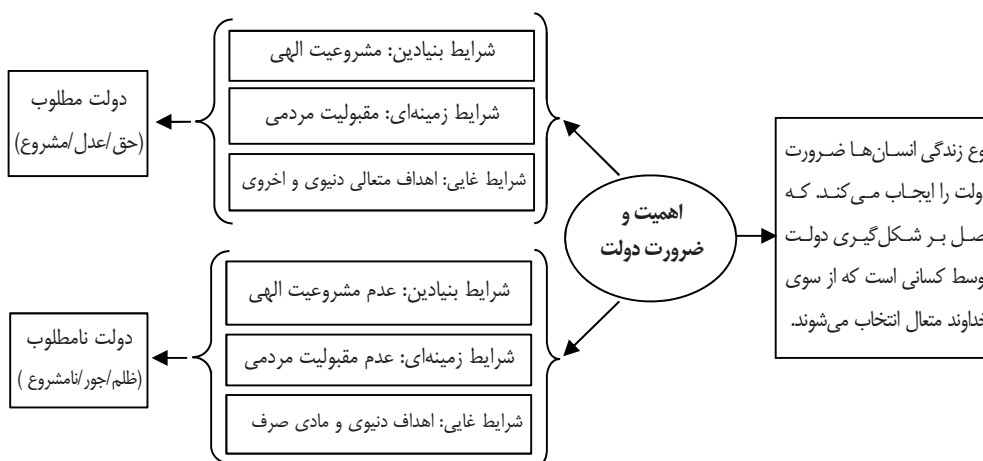
پژوهش حاضر به دنبال ارائه تبیینی درست از منظر روایات معصومان علیهم‌السلام در خصوص پیش‌شرطها و استلزامات دولت مطلوب بوده و تلاش کرده است تا براساس داده‌های روایی معصومان علیهم‌السلام مفاهیم به یکدیگر مرتبط گردیده و پیش‌شرطها و استلزامات یک دولت مطلوب استخراج گردد. باتوجه به ملاحظات روشی و فنی و با استفاده از روش داده‌بنیاد به سراغ روایات رفته و به منظور استماع و احصاء حداکثری از منطق درونی آنها زوایای مختلف شرایط شکل‌گیری دولت موردنظر معصومان علیهم‌السلام استخراج، کشف و تبیین گردید. در این تحقیق تک‌تک روایات به‌عنوان یک جورچین نگریسته شده که در یک فرایند استقرایی و قیاسی و رفت و برگشت‌های فراوان، قسمتی از پیش‌شرطها و استلزامات دولت را تکمیل می‌نمایند.

از آنجاکه لازمه روش داده‌بنیاد، احصاء حداکثری و رسیدن به اشباع نظری لازم می‌باشد. به همین جهت برای اینکه بتوانیم از حداکثر روایات معصومان علیهم‌السلام بهره‌مند گردیم، ابتدا ملاک‌ها و معیارهای لازم در اعتبارسنجی روایات مشخص گردید. سپس ملاک‌های لازم در بکارگیری روایات مورد تبیین قرار گرفت و روش خود را تحت عنوان روش اجتهادی جامع مورد تبیین قرار دادیم. بعد از مشخص شدن موضوع و مسئله موردنظر؛ و انجام مراحل مقدماتی در خصوص نحوه بکارگیری روش داده‌بنیاد؛ وارد مراحل عملی شده و به شیوه موردنظر خود شروع به گردآوری اطلاعات و داده‌ها نمودیم.

برای ارائه یک الگوی نظری مناسب مبتنی بر روایات، استقراء حداکثری روایات برای تولید مفاهیم مرتبط، به صورت دقیق و مناسب فرمول‌بندی شده و روابط بین داده‌های روایی از درون آنها بیرون کشیده شد و به دور از هرگونه سوگیری پیشینی، به مفاهیم اجازه داده شد تا از درون داده‌های روایی پدیدار شوند. و یک طرح منطقی نظام‌دار ارائه گردد. از میان صدها روایت، مفاهیم و عناوین مرتبط با

دولت استخراج گردید؛ سپس طی بررسی‌های متعدد در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم موردنظر در ۴ مقوله اصلی استخراج گردید.

باتوجه به مقوله‌های موردنظر پیش‌شرطها و استلزامات شکل‌گیری دولت مطلوب که ما در اینجا از آن با عنوان دولت حق و عدل یاد می‌کنیم، ابتدا ضرورت اجتماعی جوامع انسانی ایجاب می‌کند تا نوعی دولت همواره وجود داشته باشد، نمونه مطلوب آن از منظر روایات اگر بخواهد به‌درستی شکل بگیرد؛ بایستی دارای برخی شرایط دیگر باشد؛ که در قالب سه مقوله با عنوان ۱. مشروعیت الهی، ۲. مقبولیت مردمی ۳. اهداف و غایات متعالی، زمینه‌ساز یک مقوله هسته با عنوان دولت حق و عدل خواهد شد که در غیر این صورت شکل‌گیری دولت موردنظر به انحراف کشیده می‌شود و از مصادیق دولت جور و باطل خواهد بود. نمودار زیر بیانگر این مسئله خواهد بود:



منابع و مأخذ

۱. نهج البلاغه، محقق للصبحی صالح، قم، مؤسسه دارالهجرة.
۲. ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۳. ابن بابویه، محمد ابن علی، ۱۴۰۳ ق، معانی الأخبار، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴. _____، ۱۳۸۵ / ۱۹۶۶ م، علل الشرائع، قم، کتاب‌فروشی دآوری.
۵. اخوان، پیمان و مصطفی جعفری، ۱۳۸۵، «نظریه‌پردازی و آزمایش نظریه‌ها در حوزه مدیریت دانش»، فصلنامه مدیریت فردا، شماره ۱۶ - ۱۵.
۶. ارسطو، محمدجواد، ۱۳۷۸، «حدود اختیارات ولی فقیه»، مجموعه مقالات امام خمینی و حکومت اسلامی (شرایط، وظایف و اختیارات ولایت فقیه)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۷. ارسطو، ۱۳۶۴، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ سوم.
۸. استراوس، انسلم و جولیت کریین، ۱۳۹۱، مبانی پژوهش کیفی، ترجمه ابراهیم افشار، تهران، نشر نی.
۹. آشوب، محمد بن علی بن شهر، ۱۳۷۶ ق، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه.
۱۰. الامام موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۷، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. ایمانی، محمد تقی، ۱۳۹۳، روش‌شناسی کیفی، بی‌جا، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
۱۲. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله، چاپ چهارم.
۱۳. حاجی صادقی، عبدالله، ۱۳۸۳، فلسفه و نظام سیاسی اسلام، قم، نشر زمزم هدایت.
۱۴. حرانی، حسن ابن علی ابن شعبه، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۱۵. حسینی مدنی، ۱۳۸۱، نبرد جمل، ترجمه حسن شانه‌چی، قم، دلیل.
۱۶. حکیمی، محمدرضا؛ محمد حکیمی و علی حکیمی، ۱۳۹۵، الحیاء، قم، دلیل.
۱۷. رنی، آستین، ۱۳۷۴، حکومت، آشنایی با علم سیاست، ترجمه لیلا سازگار، تهران، نشر مرکز دانشگاهی.
۱۸. شمس‌الدین، محمدمهدی، ۱۳۷۵، نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه دکتر سیدمرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ ق، الأمالی (للطوسی)، مصحح مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة.
۲۰. عالم، عبدالرحمن، ۱۳۸۴، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ سیزدهم.
۲۱. فلیک، اووه، ۱۳۸۷، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
۲۲. قاضی، ابوالفضل، ۱۳۷۹، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر دادگستر، چاپ پنجم.
۲۳. کراجکی، محمد ابن علی، ۱۴۱۰ ق، کنز الفوائد، تحقیق عبدالله نعمه، قم، دارالذخیر.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ ق، الکافی (ط - الإسلامية)، محقق / مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق و (ط - دار الحدیث)، قم، دار الحدیث.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار، بیروت، بی‌نا، چاپ دوم.
۲۶. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۴ / ۱۴۲۶ ق، بهجه النظر فی اثبات الوصیة، قم، انصاریان.
۲۷. منتظری، حسینعلی، ۱۳۶۷، مبانی فقهی حکومت اسلامی (دراسات فی ولایت الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة)، ترجمه و تحقیق محمود صلواتی، تهران، نشر کیهان.
۲۸. مهربانی، امیرحمزه و همکاران، ۱۳۹۰، «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی»، مدیریت فرهنگ سازمانی، سال نهم، شماره ۲۳.
۲۹. نوری، حسین ابن محمد تقی، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۳۰. وینسنت، اندرو، ۱۳۸۶، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی.
۳۱. یوسفی، حیات‌الله، ۱۳۸۹، ساختار حکومت در اسلام، تهران، کانون اندیشه جوان.

